

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس  
برگردان از: آمادور نویدی  
۲۸ سپتمبر ۲۰۱۶

## پروکسی های امریکا و رقابت های منطقه ئی



جیمز پتراس

تلاش امریکا برای یک رژیم دست نشانده امپریالیستی در سوریه شکست خورده است: در عوض، ترکیه سرزمین سوریه را قورت داد، کردها به جای بیرون راندن مزدوران اسلامگرا در برابر ترک ها برای خودمختاری ملی مقاومت کردند، و دمشق با یک تهدید اضافی به حاکمیت ملی خود روبه رو شده است. جنگ منطقه ئی وحشیانه، که تا حد زیادی توسط امریکا و عربستان سعودی شروع شده است، نشان می دهد که قدرت امپراتوری امریکا در خاورمیانه تا چه حد تقلیل یافته است... بی میلی در میان دست نشاندهگان و اشنگتن برای بیان خصومت آشکار علیه بیجینگ، نشانه زوال «قدرت پروکسی» امریکا است... جنگ های امپریالیستی ادامه دارد... اما شورش های فوری و ناگهانی در بی ثباتی داخلی، و طرد توده ئی سیاست های امپریالیستی، جنگ های ملی و درگیرهای منطقه ئی نیز ادامه دارد. تضعیف امپراتوری، دورانی از جنگ های درون پروکسی – و درگیری های متعدد به بار می آورد، که ممکن است برای امپراتوری امریکا مفید باشد و یا نباشد. جنگ عده قلیلی علیه بسیاری تبدیل به جنگ بسیاری علیه بسیاری می شود. اما انتخاب در برابر چنین تغییر تاریخی چیست؟ تنها ظهور جنبش های توده ئی سازماندهی شده با آگاهی طبقاتی واقعی می تواند به طوفان آینده پاسخی مثبت ارائه دهد.

\*\*\*\*\*

ساخت امپراتوری امریکا به حمایت رژیم های منطقه ئی وابسته است، به ویژه در خاورمیانه، آسیا و امریکای لاتین. این رژیم های نیابتی (پروکسی) در تأمین کنترل مناطق مجاور، جمعیت ها و سرزمین ها، نقش های نظامی ارزشمندی بازی می کنند.

با این حال در سال های اخیر، ما شاهد بوده ایم که همین پروکسی ها جهت توسعه سیاست های توسعه طلبانه خود - به دنبال ایجاد امپراتوری های کوچک خود هستند.

رژیم های دست نشانده با جاه طلبی های محلی و یا منطقه ئی خود، اکنون برای واشنگتن نقاط جدید مشاجره فراهم می کنند. در مواقعی که امپراتوری امریکا مجبور شده است ضرر و زیان های طولانی مدت خود را کم و یا عقب نشینی کند، مجموعه ای جدیدی از درگیری ها ظهور کرده اند. تمرکز جدید مناطق جنگی پسا امپراتوری است. اغلب، رژیم های دست نشانده ابتکار عمل را در مقابله با دشمنان منطقه ئی خود به دست می گیرند. در موارد دیگر، پروکسی های رقیب «اربابان» امریکائی خود را کنار می زنند و جاه طلبی های ارضی خودشان را به پیش می برند.

شکست سلطه امپراتوری امریکا، فراتر از پایان دادن به جنگ ها و درگیری ها، تقریباً به طور قطع منجر به بسیاری جنگ های منطقه ئی تحت بهانه «خودمختاری»، یا «دفاع از خود» و یا حفاظت از برادران قومی می شود - مانند نگرانی ناگهانی آنکارا برای ترکمن ها در سوریه.

در این مقاله ما تعدادی از آشکارترین موارد را بررسی می کنیم.

### خاورمیانه: جنگ ترک ها - کردها - سوریه ها

رژیم ترکیه در طول سالهای گذشته، در خط مقدم جنگ برای سرنگونی دولت ملی گرای سکولار بشارالاسد سوریه بوده است.

ترک ها به عنوان پروکسی های امریکا عمل کرده اند و به نمایندگی از جاه طلبی های امپریالیستی واشنگتن برای مزدوران اسلامگرای تروریست جهادی خارج از کشور، پایگاه های نظامی، تجهیزات، آموزش و حفاظت و هم چنین نقطه ورود به سوریه ارائه داده است.

هنگامی که تهدید اسلامگرایان «مستقل» (داعش) قلمرو به دست آورد و منافع امریکا را هدف قرار داد، واشنگتن به سرعت به متحدان خود، جنگجویان کرد روی آورد که عمدتاً سکولارند. پروکسی های کرد واشنگتن، به عنوان بخشی از دستور کار ملی و قومی طولانی مدت خودشان، قلمرو را از دست هر دو، اسلامگرایان ضد امریکائی و همچنین دولت ملی گرای سوریه به کنترل خود درآوردند.

ترکیه پیروزی کردها در شمال سوریه را به عنوان مظهر خودمختاری نیروهای کرد درون ترکیه دید. رئیس جمهور اردوخان مداخله نظامی کرد - تانک ها، هواپیماهای جنگی و ده ها هزار پرسنل نظامی به سوریه فرستاد و جنگ برای نابودی کردهای سوری پروکسی امریکا را به راه انداخت! **حمله ترکیه تحت بهانه دروغین جنگ با داعش پیشروی نمود و سرزمین سوریه را تسخیر کرد. در واقع، ترکیه جهت کنترل کردها یک «منطقه امن» استعماری گسترده ایجاد کرد.**

در حالی که ترک ها در یک عملیات گسترده پاکسازی قومی، کردها را از خانه های خود در شمال سوریه راند، رژیم اوپاما در واشنگتن شکایت کرد، اما کاملاً تمایلی به مداخله نداشت. بنابراین، جنگ ترک ها - کردها - سوری ها شروع شده است، که ضوابط، شرایط و نتایج آن به خوبی فراتر از کنترل امریکا ست.

تلاش امریکا برای یک رژیم دست نشانده امپریالیستی در سوریه شکست خورده است: در عوض، ترکیه سرزمین سوریه را قورت داد، کردها به جای بیرون راندن مزدوران اسلامگرا در برابر ترک ها برای خودمختاری ملی مقاومت کردند، و دمشق با یک تهدید اضافی به حاکمیت ملی خود روبه رو شده است.

جنگ منطقه‌ی وحشیانه، که تا حد زیادی توسط آمریکا و عربستان سعودی شروع شده است، نشان می‌دهد که قدرت امپراتوری آمریکا در خاورمیانه تا چه حد تقلیل یافته است.

### آسیا: درگیری جاپان، ویتنام، فیلیپین و چین

امپراتوری آمریکا ساخت و تخریب کشورهای پروکسی را در آسیا دیده است. آمریکا پس از جنگ جهانی دوم در تلاش برای خفه کردن و تسخیر چین، کوریای شمالی و ویتنام، کشورهای جاپان، پاکستان، کوریای جنوبی، تایوان، فیلیپین، استرالیا و زلاند نو را به عنوان کشورهای پروکسی ترکیب و متحد کرده است.

اخیراً هند، ویتنام و میانمار در طرح نظامی جدیدی برای محاصره چین به آمریکا پیوسته اند.

هدف اصلی «محور آسیا»ی اوباما – کلینتن از مشارکت ترانس پاسیفیک (ت پ پ)، تلاشی منحصر به فرد جهت «متحد ساختن» کشورهای آسیا تحت کنترل آمریکا جهت منزوی ساختن و تضعیف نقش چین در آسیاست.

پروکسی‌های اصلی پسا جنگ جهانی، کوریای جنوبی، فیلیپین و جاپان پایگاه‌های نظامی، پرسنل، حمایت مادی و لجستیکی ارائه می‌دهند. ویتنام، جدیدترین پروکسی – در بلوک، علی رغم مرگ میلیون‌ها ویتنامی در طول جنگ آمریکا در هندوچین، به سلاح‌های پنتاگون که به سوی چین هدف‌گیری شده است، خوش آمد می‌گوید.

در حالی که پروکسی‌های آسیایی هم چنان در ظاهر در خدمت «دستور کار چین هراسی» واشنگتن هستند، اما بسیاری بنابر شرایط خودشان عمل می‌کنند: آنها از طریق سیاست رویارویی مستقیم واشنگتن تمایلی به تحریک خشم اقتصادی چین ندارند. در کنفرانس اخیر آسیا (انجمن ملل آسیای جنوب شرقی در رابطه با توسعه اقتصادی و توسعه فرهنگی کشورهای جنوب شرقی آسیا – ویکی پدیا - م) در لائوس (۲۰۱۶)، علی رغم حکم «دادگاه بین المللی» علیه ادعای بحری بیجینگ بر جنوب بحیره چین، کشورهای عضو در برابر فشار واشنگتن برای محکوم ساختن چین، مقاومت کردند. به نظر می‌رسد که توانایی آمریکا از طریق «تریبونال بین المللی» محور اروپایی خود برای نفوذ در حوادث تقلیل یافته است. آمریکا به خاطر مقاومت داخلی و خارجی، نمی‌تواند ستراتیژی «محاصره» اقتصادی ترانس پاسیفیک (ت پ پ) خود را اجراء کند. در همین حال، روابط پروکسی جدید پدید آمده است.

دست‌نشانندگان پروکسی در توکیو به عنوان ستایش‌کنندگان پایگاه هوایی آمریکایی، با رشد اپوزیسیون ضد پروکسی مردم جاپان علیه نقش ملی خود روبه‌رو گردیده‌اند. در نتیجه توکیو با دقت ستراتیژی ضد چین خود را با تشکیل روابط اقتصادی عمیق‌تر با کشورهای پروکسی کوچک و یا جدید در هندوچین، فیلیپین و میانمار دنبال می‌کند. جاپان در دوره توسعه رابطه اش با رژیم‌های پروکسی ضعیف‌تر، در واقع زمینه را برای اقتصاد مستقل و سیاست‌های مستقل نظامی از آمریکا پی‌ریزی می‌کند.

لازم به ذکر است که فیلیپین تحت ریاست جدید دیوتیرته، به دنبال برقراری روابط خود با چین است، حتی اگر روابط پروکسی نظامی نواستعماری اش با واشنگتن به جای خود باقی بماند. جنجال رسانه‌های واشنگتن درباره زبان «رنگارنگ» و سیاست‌های حقوق بشری دیوتیرته، مخالفت امپریالیستی واشنگتن را با سیاست خارجی مستقل او نسبت به چین پرده‌پوشی می‌کند.

در حالی که هند روابط نزدیک‌تری با آمریکا برقرار می‌کند و حتی همکاری نظامی با پنتاگون ارائه می‌دهد، ولی باز هم با چینی‌ها سرمایه‌گذاری‌ها و توافقنامه‌های تجاری بزرگتری به امضاء می‌رساند – و مشتاق ورود به بازار عظیم چین است.

به عبارت دیگر، پروکسی های آسیایی واشنگتن (۱) دسترسی خود خودشان را گسترش داده اند، (۲) حوزه های عمل مستقل را تعریف کرده اند و (۳) تلاش امریکا برای تحمیل موافقتنامه های تجاری امریکا را کاهش داده اند. بی میلی در میان دست نشانندگان واشنگتن برای بیان خصومت آشکار علیه بيجینگ، نشانه زوال «قدرت پروکسی» امریکا ست. بلندگوهای مالی واشنگتن - نیویورک (نیویورک تایمز، واشنگتن پست، وال استریت ژورنال) از روی ناامیدی، برای مبهم ترین شخصیت های حاشیه ئی، از جمله پهلوان پنبه هائی مانند یک سیاست مدار کوچک هنگ کنگ، «مرد مقدس» تبعیدی سالخورده و فرتوت تبت و دسته تروریست های ایلغور، منبرهای خطابه ارائه می دهند!

### پروکسی های زودگذر واشنگتن در امریکای لاتین

یکی از قابل توجه ترین جنبه های امپراتوری سازی امریکا سهولتی است که در آن پروکسی ها را در امریکای لاتین تأمین کرده است ... و چگونگی تسریع تضعیف آنها ست! امریکا در طول سه دهه گذشته رژیم های نظامی پروکسی را سر پا نگه داشت، که در دهه گذشته توسط دولت های مستقل سرنگون و جایگزین شده اند. این ها اکنون با موجی از پروکسی های نئولیبرال - مجموعه رنگارنگی از ارادل و اوباش فاسد و دلکچ های نخبه جایگزین شده اند که قادر به ایجاد یک منطقه با محور پایدار امپریالیستی نیستند. امپراتوری بر مبنای پروکسی در اصطلاح یک تناقض است. پروکسی های امریکای لاتین بیش از اندازه بر حمایت خارجی وابسته اند و فاقد محبوبیت و ریشه های توده نی داخلی هستند. سیاست های اقتصادی و اجتماعی به شدت نئولیبرال آنها قادر به تحریک توسعه صنعتی مورد نیاز رشد اقتصادی نیست. پروکسی های امریکای لاتین یغماگران محض هستند، که فاقد مهارت های کارآفرینی جاپانی ها و ایدنولوژی ملی گرای منظم ترک ها هستند. در این مورد، پروکسی های امریکای لاتین بیشتر شبیه الیگارش های حاکم بر فیلیپین هستند: آنها فرمانبرداری موعظه می کنند و خرابکاری به بار می آورند. بی ثباتی پروکسی و تغییر سیاست به عنوان نیروهای قدرتمند ظهور می کنند تا امپراتوری امریکا را به نبرد فرا خوانند- می خواهد چینی ها در آسیا باشد و یا درگیری های محلی داخلی - مانند پدیده ترامپ در امریکا.

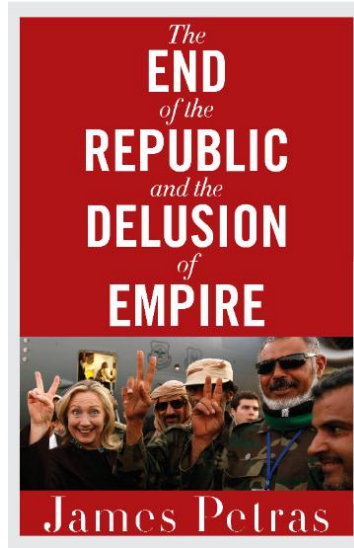
### نتیجه گیری

جنگ های امپریالیستی ادامه دارد... اما شورش های فوری و ناگهانی در بی ثباتی داخلی، و طرد توده ئی سیاست های امپریالیستی، جنگ های ملی و درگیری های منطقه ئی نیز ادامه دارد. تضعیف امپراتوری، دورانی از جنگ های درون پروکسی - و درگیری های متعدد به بار می آورد، که ممکن است برای امپراتوری امریکا مفید باشد و یا نباشد. جنگ عده قلیلی علیه بسیاری تبدیل به جنگ بسیاری علیه بسیاری می شود. اما انتخاب در برابر چنین تغییر تاریخی چیست؟ تنها ظهور جنبش های توده ئی سازماندهی شده با آگاهی طبقاتی واقعی می تواند به طوفان آینده پاسخی مثبت ارائه دهد.

\*\*\*

لطفاً آخرین کتاب جیمز پتراس را ببینید: «پایان جمهوری و توهم امپراتوری»، انتشارات روشن، سال ۲۰۱۶.

[http://petras.lahaine.org/?page\\_id=1808](http://petras.lahaine.org/?page_id=1808)



برگردانده شده از:

**US Proxies and Regional Rivalries**

<http://petras.lahaine.org/?p=2100>

درباره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بارتل (بازنشسته) جامعه شناسی دانشگاه بینگهامتون، در نیویورک است.